فیش منبر روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۷ه.ق/ حسن ظن و خوش‌بینی به خدا

 **بسم الله الرحمن الرحیم**

**«أَ فَتُرَاک یارَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُخَیبُ آمَالَنَا کلّاً یا کرِیمُ فَلَیسَ هَذَا ظَنَّنَا بِک» (دعای ابوحمزه ثمالی)**

**مناسبت: نیمه دوم ماه مبارک رمضان**

**ایجاد انگیزه****[[۱]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn1%22%20%5Co%20%22)**

روزی نادرشاه افشار به شکار رفته بود. او لباس مخصوص شکار پوشیده بود و آن‌قدر با اسب دنبال شکاری دوید که همراهان و درباریان از او عقب ماندند. نادر آن روز هرچه تلاش کرد نتوانست چیزی شکار کند. خسته و کوفته، بی‌رمق و گرسنه به طرف شهر حرکت کرد. دیگر نفسش به شماره افتاده و گرسنگی امانش را بریده بود. از اسبش پیاده شد. حتی یک سکه هم نداشت تا نانی بخرد. با آن لباسی که نادر پوشیده بود هیچ‌کسی او را نمی‌شناخت. نگاهی به اطراف انداخت. چشمش به کودکی افتاد که مشغول بازی بود. نزدیک‌تر که رفت، دید پسرک با یک سکه بازی می‌کند.

شکارچی نزدیک‌تر رفت و به کودک گفت: من گرسنه‌ام و پولی ندارم، سکه‌ات را به من قرض می‌دهی تا با آن قرص نانی بخرم؟ پسرک سکه را در دستش محکم گرفت و پشت سرش پنهان کرد و گفت: نه! این سکه خودم است؛ از مادرم گرفته‌ام. شکارچی ادامه داد: من نادرشاه هستم. اگر سکه‌ات را به من بدهی من هم یک سکه به تو پس می‌دهم. کودک وقتی این را شنید با صدای بلند زد زیر خنده و گفت: آقا! خیال کردی من بچه‌ام! تو نادرشاه نیستی. دروغ میگویی! نادرشاهی که من می‌شناسم، اگر یک سکه بگیرد، یک کیسه پس می‌دهد.

این جمله کودک، نادر را سخت به فکر فرو برد. به هر زحمت و با هر التماسی که بود، نادر سکه را از پسرک گرفت و نانی خرید و از گرسنگی نجات یافت.

فردای آن روز، دربان‌های قصر دیدند کودکی خردسال دم در آمده و تقاضای ملاقات با شاه داشت. ابتدا او را مسخره کردند و گفتند تو را با شاه چکار؟ پسرک داستان را تعریف کرد و گفت آمده‌ام، یک کیسه طلایم را بگیرم. دربان‌ها گفتند: حرفت را باور نمی‌کنیم و تو را راه نمی‌دهیم؛ اما داستانت را به وزیر اعظم می‌گوییم؛ شاید او بتواند کاری برایت کند. وزیر وقتی از ماجرا آگاه شد، نزد نادرشاه رفت و قضیه را تعریف کرد. نادر گفت: پسرک راست می‌گوید.

وزیر پرسید حالا به او یک سکه بدهیم یا یک کیسه؟ نادر پاسخ داد: نمی‌خواهم آن نادرشاهی که در ذهن او نقش بسته را نابود کنم. بگذار نادرشاهی که در ذهن دارد، همان نادرشاه بماند. به او یک کیسه طلا بدهید.

حکایت ما و خدا، مثل حکایت کودک است با نادر؛ با این تفاوت که کودک به نادر خوش‌بین بود؛ ولی ما به خدای نادر که آفریننده جهان است، بدبین هستیم یا آنگونه که باید خوش‌بین نیستیم!

چشم‌ها را باید شست     جور دگر باید دید ...

خوش‌بینی به خداوند چگونه تحقق می‌یابد؟ علل و ریشه‌های خوش‌بینی به خدا کدام است؟ خوش‌بینی چه فواید و برکاتی را در پی دارد؟

**متن و محتوا**

در آیات ۳۳ تا ۴۴ سوره کهف داستانی از سرگذشت دو نفر که یکی به خداوند خوش‌بین و دیگر بدبین بوده بیان شده است: «... دو مرد که برای یکی از آن‌ها دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم و گرداگرد آن دو باغ را با درختان نخل پوشاندیم و در میانشان زراعت پربرکتی قرار دادیم. هر دو باغ، میوه آورده بود، میوه‌های فراوان و چیزی فروگذار نکرده بود و میان آن دو، نهر بزرگی جاری ساخته بودیم.

صاحب این باغ، درآمد فراوانی داشت به همین جهت، به دوستش- در حالی که با او گفتگو می‌کرد- چنین گفت: «من از نظر ثروت از تو برتر و از نظر نفرات نیرومندترم!» و در حالی که نسبت به خود ستمکار بود، در باغ خویش گام نهاد و گفت: «من گمان نمی‌کنم هرگز این باغ نابود شود! و باور نمی‌کنم قیامت برپا گردد! و اگر به‌سوی پروردگارم، بازگردانده شوم و قیامتی در کار باشد، جایگاهی بهتر از اینجا بیابم!»

دوست با ایمان وی- در حالی که با او گفتگو می‌کرد- گفت: آیا به خدایی که تو را از خاک و سپس از نطفه آفرید و پس از آن، تو را مرد کاملی قرار داد، کافر شدی؟! ولی من کسی هستم که «اللَّه» پروردگار من است و هیچ‌کسی را شریک پروردگارم قرار نمی‌دهم! چرا هنگامی که وارد باغت شدی، نگفتی این نعمتی است که خدا خواسته است؟! قوّت (و نیرویی) جز از ناحیه خدا نیست! و اگر می‌بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم مطلب مهمّی نیست.

شاید پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد و مجازات حساب‌شده‌ای از آسمان بر باغ تو فرو فرستد، به‌گونه‌ای که آن را به زمین بی‌گیاه لغزنده‌ای مبدّل کند! و یا آب آن در اعمال زمین فرو رود، آنگونه که هرگز نتوانی آن را به دست آوری!

 به هر حال، عذاب الهی فرا رسید و تمام میوه‌های آن نابود شد و او به خاطر هزینه‌هایی که در آن صرف کرده بود، پیوسته دست‌های خود را به هم می‌مالید- در حالی که تمام باغ بر داربست‌هایش فرو ریخته بود- و می‌گفت: «ای‌کاش کسی را همتای پروردگارم قرار نداده بودم؛ و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب خداوند یاری دهند و از خودش نیز نمی‌توانست یاری گیرد. در آنجا ثابت شد که ولایت و قدرت از آن خداوند بر حق است! اوست که برترین ثواب و بهترین عاقبت را (برای مطیعان) دارد!»

همان‌گونه که در این داستان آمده، نوع نگاه آن دو باغبان برایشان سرنوشت‌ساز بود. نفر اول چنین می‌پنداشت که خدا نمی‌تواند بهتر از آن باغ دنیایی را در آخرت به او بدهد؛ خدا نیز همان‌گونه با او برخورد کرد و تنبیه او را خرابی باغش قرار داد؛ اما نفر دوم به خدا خوش‌بین بود و می‌دانست خدای حکیم جز خوبی بندگان را نمی‌خواهد و هر آنچه به صلاح بندگان باشد را برای آنان رقم می‌زند.

بنابراین قضیه خوش‌بینی و بدبینی ما نسبت به خداوند قضیه‌ای شبیه به همین دو نوع نگاه است؛ و باید در این‌باره دقت کنیم و به خوش‌بینی خود به خداباور داشته باشیم.

در آیه ۶ سوره فتح که خداوند درباره منافقین و مشرکین سخن می‌گوید، برجسته‌ترین ویژگی آن‌ها را بدبینی آن‌ها نسبت به خود بیان می‌کند. در این آیه آمده است وَ یعَذِّبَ الْمُنافِقینَ وَ الْمُنافِقاتِ وَ الْمُشْرِکینَ وَ الْمُشْرِکاتِ الظَّانِّینَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَیهِمْ دائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَیهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ ساءَتْ مَصیراً؛ خدا مردان و زنان منافق و مشرک را عذاب می‌کند؛ همان‌ها که به خدا بدگمان‌اند و به همین جهت حصار دایره شکلی از بدی آن‌ها را فرا خواهد گرفت. غضب و لعنت خدا بر آنان باد! جهنم برای آنان آماده شده و چه بد باز گشت‌گاهی است!

در آیه بیان شده، خدا مشرکان و منافقان را در دایره بدبینی خودشان هلاک می‌کند؛ یعنی همین بدبینی آن‌ها است که موجب بدعاقبتی آنان می‌شود. بدیهی است وقتی بدبینی به خدا این‌قدر مذموم و ناپسند است، نقطه مقابل آنکه خوش‌بینی به خداست به همان اندازه پسندیده است و همان‌گونه که بدبین‌ها در دایره بدبینی خود گرفتار شده و جهنمی می‌شوند، خوش‌بین‌ها هم در پهنای خوش‌بینی خود به خدا به سعادت جاودان الهی می‌رسند. البته این برداشت از آیه مبتنی بر بعضی روایات است.

امام رضا (ع) می‌فرماید: «أَحْسِنِ الظَّنَ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِی الْمُؤْمِنِ بِی إِنْ خَیراً فَخَیراً وَ إِنْ شَرّاً فَشَرّاً[[۲]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn2%22%20%5Co%20%22)؛ به خدا خوش‌بین باش که خدای بلندمرتبه می‌فرماید: من همان‌گونه هستم که بنده مؤمن من گمان می‌کند؛ اگر خوش‌گمان باشد؛ خوب خواهم بود و اگر بدگمان باشد بد.»

بنابراین نوع نگاه شما بر حوادث پیرامونتان تأثیرگذار است. اگر به کسی خوش‌گمان باشید، او نیز در پی پاسخ به این خوش بینی است و اگر این لطف شما را به‌گونه‌ای جبران نکند، شرم می‌کند؛ اما اگر به او بدبین باشید و او را ناتوان و به دردنخور تصور کنید، او نیز برای اینکه به‌گونه‌ای شما را تنبیه کند، هرچند می‌تواند کارتان را راه بیندازد؛ ولی همان‌گونه که فکر می‌کردید با شما برخورد می‌کند. این شیوه برخورد کاملاً منطقی است.

در حکایتی آمده است: پنج نفر از بزرگان ساکن نجف با هم مباحثه حدیثی داشتند. یک روز به این حدیث رسیدند که: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِینَ صَبَاحاً ظَهَرَتْ ینَابِیعُ الْحِکمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَی لِسَانِه[[۳]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn3%22%20%5Co%20%22)؛ کسی که چهل روز خالصانه برای خدا عمل کند؛ چشمه‌های حکمت از قلب او به زبانش جاری خواهد شد.»

همه تصمیم گرفتند که چله نشینی کنند تا به آنچه حدیث وعده داده، دست یابند. به اندازه ۴۰ روز آب و آذوقه از خانه برداشته و با خانواده خود خداحافظی کردند. به مسجد سهله رفته و این مدت را به عبادت و نیایش مشغول شدند.

چهل روز که تمام شد. وقتی که هر پنج نفر از چله برمی‌گشتند، تصمیم گرفتند به قهوه‌خانه بین راهی بروند و قهوه بنوشند. مرد قهوه‌چی قهوه‌ها را آورد. همه دست به سمت فنجان دراز کردند، به جز یک نفر. گفتند نمی‌خوری؟ گفت: نه؛ این قهوه نجس است و خون در آن ریخته شده!

از قهوه‌چی حقیقت ماجرا را پرسیدند. قهوه‌چی با خجالت پاسخ داد: وقتی مشغول آماده کردن قهوه‌ها بودم، دستم به‌صورت اتفاقی برید و متأسفانه چند قطره خون در قهوه ریخت.

همه رو به آن یک نفر گفتند: در این چهل روز چه ذکری گفتی یا چه عملی انجام دادی که به این مرحله رسیده‌ای؟ پاسخ داد: من همان کارهایی را کردم که شما انجام دادید؛ با این تفاوت که شما با شک و با حالت آزمون و خطا اعمال را انجام دادید، ولی من مطمئن بودم به این مقام خواهم رسید.

آری خوش‌بینی او بود که موجب قبولی عمل او و رسیدن به این مقام شده بود.

چشم‌ها را باید شست جور دگر باید دید...

امام باقر (ع) می‌فرماید: «وَ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا یحْسُنُ ظَنُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا کانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ الْمُؤْمِن[[۴]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn4%22%20%5Co%20%22)؛ به خدایی که هیچ پروردگاری جز او نیست سوگند؛ هیچ بنده مؤمنی به خدا خوش‌گمان نمی‌شود، مگر اینکه خدا در نزد گمان نیک بنده مؤمن خویش حاضر می‌شود.»

امام سجاد (ع) نیز در دعای ابو حمزه ثمالی چنین با خدا خویش نجوا می‌کند: «یَا رَبِّ هَذَا مَقَامُ مَنْ لاذَ بِکَ وَ اسْتَجَارَ بِکَرَمِکَ وَ أَلِفَ إِحْسَانَکَ وَ نِعَمَکَ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِی لا یَضِیقُ عَفْوُکَ وَ لا یَنْقُصُ فَضْلُکَ وَ لا تَقِلُّ رَحْمَتُکَ وَ قَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْکَ بِالصَّفْحِ الْقَدِیمِ وَ الْفَضْلِ الْعَظِیمِ، وَ الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ أَ فَتَرَاکَ [تُرَاکَ] یَا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُخَیِّبُ آمَالَنَا کلاً یَا کَرِیمُ فَلَیْسَ هَذَا ظَنَّنَا بِکَ وَ لا هَذَا فِیکَ طَمَعَنَا؛ پروردگارا این است جایگاه کسی‌که به پناهت آمد و به کرمت پناهنده گشته و به احسان و نعمت‌هایت الفت جسته است. تویی آن سخاوتمندی که گذشتت به تنگی نمی‌رسد و احسانت کاهش نمی‌پذیرد و رحمتت کم نمی‌شود و به‌یقین از چشم‌پوشی دیرینت و فضل بزرگت و رحمت گسترده‌ات اعتماد نمودیم، پروردگارا! آیا ممکن است برخلاف خوش‌بینی ما به خویش رفتار کنی، یا آرزوهایمان را نسبت به رحمتت نومید سازی، ‌هرگز ای بزرگوار، چنین گمانی به تو نیست و طمع ما درباره تو این‌چنین نمی‌باشد.»

**آثار خوش‌بینی به خدا**

حسن ظن و خوش‌گمان بودن به خدا، دارای آثار بسیاری است. برخی از آن‌ها عبارتند از:

**۱. آرامش خاطر و گشایش امور**

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «خُذْ مِنْ حُسْنِ الظَّنِّ بِطَرَفٍ تُرَوِّحُ بِهِ قَلْبَک- وَ یرُوحُ بِهِ أَمْرُک[[۵]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn5%22%20%5Co%20%22)؛ از خوش‌بینی بهره‌ای بگیر تا با آن، دلت آرام شود و کارت پیش رود.»

در روایت دیگری مولای متقیان می‌فرماید: «مَنْ لَمْ یحْسِنْ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ کلِّ أَحَد[[۶]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn6%22%20%5Co%20%22)؛ کسی که بدبین است، از همه وحشت دارد.»

به جرأت می‌توان ادعا کرد که صرف‌نظر از دغدغه‌های دینی و الهی، یکی از مهم‌ترین گمشده‌های بشر از صدر تاریخ تاکنون، رسیدن به آرامش بوده است. آرامش همان چیزی است که انسان حاضر است به خاطر آن خود را به آب و آتش بزند، سختی‌ها و ناملایمات را تحمل کند و تمام کوشش و تلاش خود را به کار گیرد تا به رفاه و آرامش برسد.

آرامش واقعی آن است که آدمی محکم‌ترین تکیه‌گاه را داشته باشد و باور کند نیرویی بی‌نهایت همه چیز را مدیریت می‌کند تا او را به مقصودش برساند:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند                             تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

حضرت امیر می‌فرماید: «حُسْنُ الظَّنِّ یخَفِّفُ الْهَم[[۷]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn7%22%20%5Co%20%22)‌؛ خوش‌گمانی هم و غم را کاهش می‌دهد.»

**۲. افزایش روحیه توکل و اعتماد به خدا**

الهی تکیه بر لطف تو کردم                 به جز لطفت ندارم تکیه گاهی

گرفتم دامن بخشنده‌ای را                   که بخشد از کرم کوهی به کاهی

اگر به‌درستی در مفهوم حسن ظن بنگریم و بیندیشیم، خواهیم یافت که رابطه عجیبی بین خوش‌بینی و توکل برقرار است.

 معمولاً هر کدام از ما بارها سوار اتوبوس شده‌ایم. مطمئناً از راننده نخواسته‌ایم، باد چرخ‌ها و باک گازوئیل و دور موتور را جلوی روی ما چک کند. یا از او نمی‌خواهیم گواهینامه و برگه معاینه فنی را به ما نشان دهد... تا حالا فکر کرده‌اید که علتش چه بوده است؟ آنچه به ذهن می‌رسد این است که دلیلش خوش‌بینی ما به راننده است که اعتماد به او نیز از همین خوش‌بینی سرچشمه می‌گیرد.

حال باید از خود بپرسیم که آیا درباره چرخاننده چرخ گیتی و آفریننده تمام خوبی‌ها نیز این‌گونه خوش‌گمان هستیم؟! اگر بتوانیم باورهای خود را تقویت کرده و درباره خدا مثبت نگر باشیم او را تکیه‌گاه مناسبی در سختی‌ها خواهیم یافت و به او اعتماد خواهیم کرد و به او توکل می‌نمائیم.

در قرآن کریم آمده حضرت موسی با مشتی یکی از فرعونیان را به کام مرگ برد و با ترس و نگرانی از شهر بیرون رفت [در حالی که می] گفت: «پروردگارا، مرا از گروه ستمکاران نجات‌بخش[[۸]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn8%22%20%5Co%20%22).»

و در ادامه حضرت به خدا توکل می‌کند و بعد از قضیه آب دادن به گوسفندان دختران شعیب (ع)، به‌سوی سایه برگشت و گفت: «فَقالَ رَبِّ إِنِّی لِما أَنْزَلْتَ إِلَی مِنْ خَیرٍ فَقیرپروردگارا[[۹]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn9%22%20%5Co%20%22)؛ من به هر خیری که سویم بفرستی سخت نیازمندم.»

در اینجا خوش‌گمانی موسی (ع) از وسعت آنچه می‌طلبد پیداست و کاملاً سرانجام کارهای خود را به خدا واگذار می‌کند؛ و همین توکل سبب رسیدن به زن و مال و ثروت و شغل و همه‌چیز می‌شود.

یکی دیگر از مزدهایی که حضرت موسای متوکل، به آن رسید این بود که خدا او را هم نشین پیامبر محبوب خود شعیب نبی (عل) قرار داد.

**۳. رسیدن به بهشت**

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «لَا یمُوتَنَّ أَحَدُکمْ حَتَّی یحْسِنَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَل ثَمَنُ الْجَنَّة[[۱۰]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn10%22%20%5Co%20%22)؛ هیچ‌یک از شما نباید بمیرد تا آنکه گمانش را به خدای بلندمرتبه نیکو سازد؛ زیرا خوش‌بینی به خدا بهای بهشت است.»

در روایات آمده: روز قیامت وقتی خدای بلند مرتبه، حساب مردم را رسیدگی کند. یک نفر باقی می‌ماند که گناهان او بیش از خوبی‌هایش است. فرشتگان عذاب او را می‌گیرند و به سوی آتش می‌کشند. او برمی‌گردد و پشت سرش را نگاه می‌کند. خدا دستور می‌دهد او را برگردانید. سپس از او می‌پرسد؟ چرا پشت سرت را نگاه کردی؟ او پاسخ می‌دهد که: بارالها! گمان من به تو این نبود که مرا به جهنم ببری. در این هنگام خداوند می‌فرماید: ای ملائکه! به عزت و جلالم قسم او حتی یک روز هم به من خوش‌گمان نبود؛ لکن او را به بهشت ببرید به خاطر آنکه ادعای خوش‌بینی به مرا داشت.[[۱۱]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftn11%22%20%5Co%20%22)

اما آسیب و آفت خوش‌گمانی این است که فرد را نسبت به حوادث اطرافش بی‌تفاوت کند، به‌طوری که نسبت به هر اتفاقی خوش‌بین باشد و این گاهی انسان را دچار غفلت می‌کند و حکمت بیدارکنندگی که بلاها در زندگی انسان دارد را از بین می‌برد. آفت دیگر خوش‌بینی این است که فردی بدون عمل و کوشش نسبت به حل شدن مشکلات خوش‌بین باشد.

[[۱]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref1%22%20%5Co%20%22). روش داستانی.

[[۲]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref2%22%20%5Co%20%22). کافی، ج۲، ص ۷۲.

[[۳]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref3%22%20%5Co%20%22). جامع الأخبار، ص ۹۴.

[[۴]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref4%22%20%5Co%20%22). کافی، ج ۲، ص ۷۲.

[[۵]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref5%22%20%5Co%20%22). کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۰۸.

[[۶]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref6%22%20%5Co%20%22). تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۴.

[[۷]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref7%22%20%5Co%20%22). تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۳.

[[۸]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref8%22%20%5Co%20%22). قصص/۲۱.

[[۹]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref9%22%20%5Co%20%22). قصص/۲۴.

[[۱۰]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref10%22%20%5Co%20%22). وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۴۸.

[[۱۱]](file:///Z%3A%5C%5C%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85%5C%5C%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095%5C%5C%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095%5C%5C%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA%5C%5C00%2029%20%23U062d%23U0633%23U0646%20%23U0638%23U0646%20%23U0628%23U0647%20%23U062e%23U062f%23U0627%23U0648%23U0646%23U062f.docx%22%20%5Cl%20%22_ftnref11%22%20%5Co%20%22). عدة الداعی و نجاح الساعی، ص:۱۴۸